پیشخوان

نظری بر مصاحبه تاریخی دانشگاه هاروارد با شاپور بختیار

عصبانیت و دیگر هیچ!

شاهد توحیدی

بی‌تردید گفت‌وشنودهای واحد تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، نقشی درخور در تاریخ‌نگاری معاصر خواهد داشت. صرفنظر از رویکردها و سوگیری‌های مصاحبه‌کنندگان و مصاحبه‌شوندگان، این واحد توفیق یافته است تا با عده‌ای به گفت‌وگو بنشیند که در جای دیگر خاطرات خود را بیان نکرده و در این باره چیزی ننگاشته‌اند. شاپور بختیار در زمره گفت‌وگوشوندگان هاروارد است که نتیجه مصاحبه او، در کتابی در اروپا و امریکا و نیز ایران منتشر شده است. دیباچه‌نویس این گفت‌وشنود در ابتدای آن آورده است:

«شاپور بختیار نامی آشنا برای آنانی است که ماه‌های آخر عمر رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی را درک کرده‌اند. آنها خوب به یاد دارند که در آن ماه‌ها و روزها طوفان سرکش انقلاب با قدرت تمام به پیش می‌تاخت و همه موانع را از سر راه کنار می‌زد و دیگر به همه مسلم و قطعی شده بود که شاه رفتنی و رژیم افتادنی است. در آن شرایط که همه یکصدا به شاه و حکومتش نه می‌گفتند، شاپور بختیار به کمک شاه شتافت و با اشتیاق پذیرای نخست‌وزیری شد. پست و مقامی که دیگر تقریباً هیچ خریداری نداشت. بختیار با این اقدام عجیب خویش نشان داد که سخت دلبسته قدرت است، اگرچه این قدرت فقط روی کاغذ باشد یا رودرروی اکثریت قریب به اتفاق مردم و حتی هم‌مسلکان سیاسی قرار بگیرد. او بدون تردید می‌دانست مرد آن میدان نیست و کاری از او برنمی‌آید، اما با این همه دم را غنیمت شمرد و نام خود را در شمار نخست‌وزیران ایران ثبت کرد. به‌زودی شعارهای ضدبختیار به سایر شعارهای انقلابی مردم اضافه شد و او را مضحکه عام و خاص ساخت. عمر کابینه

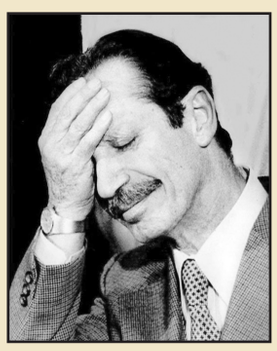
شاپور بختیار

بختیار از ٣٧ روز تجاوز نکرد و در روز ٢٢ بهمن سال ١٣٥٧ ابتدا مخفی شد و چندی بعد مخفیانه به فرانسه گریخت. بختیار در خلال گفت‌وگو با پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد بسیار عصبانی به نظر می‌رسد. او به زمین و زمان می‌تازد و به همه بد می‌گوید. از رهبران انقلابی ایران گرفته تا دوستان و هم‌مسلکان قدیمی خویش. او همه را مقصر می‌شمارد، زیرا نگذاشته‌اند آرام بر صندلی نخست‌وزیری تکیه زند و کشتی طوفان‌زده ایران را به ساحل نجات برساند. بختیار به‌قدری عصبانی و رنجیده‌خاطر است که در بیشتر موارد پا را از جاده ادب بیرون می‌گذارد و از اشخاص مختلف با القاب بد و واژه‌های توهین‌آمیز یاد می‌کند. ناشر ضمن آنکه خود را مقید به حفظ امانت می‌داند و تمام گفته‌های بختیار را عیناً آورده، اما در عین حال در موارد معدودی (حداکثر ٢٠ کلمه) کلمات و واژه‌های سخیف و به دور از ادب را حذف کرده است. موارد مورد نظر در متن با علامت (...) و در پاورقی با علامت [...] مشخص شده‌اند.»

عوامل اجرایی این پروژه در مقدمه دیگری که در آغاز این اثر آمده، درباره چندوچون اخذ خاطرات برخی رجال سیاسی آورده‌اند:

«در آغاز طرح فهرست اسامی نزدیک به ٣٥٠ نفر که برای مصاحبه در نظر گرفته شده بودند تهیه شد. صورت مزبور تقریباً رهبران تمام گروه‌ها، احزاب و نهادهای سیاسی را شامل می‌شد. دقیق‌تر بگوییم فهرست مزبور اسامی اعضای خاندان پهلوی، تمام نخست‌وزیران پیشین، اعضای مهم هیئت دولت و قوه مقننه و قضایی رسانه‌های گروهی و بخش خصوصی، سران عشایر و احزاب سیاسی و گروه‌ها، شخصیت‌های مخالف رژیم پیشین از جمله کسانی که در دولت جمهوری اسلامی شرکت کرده بودند، افسران عالی‌رتبه نیروهای مسلح، مأموران بلندپایه ساواک و رهبران و دیپلمات‌های خارجی که در رویدادهای سیاسی ایران نقش عمده‌ای را بازی کرده بودند در بر می‌گرفت. مصاحبه با تمام کسانی که نام آنان در فهرست مقدماتی آمده بود، نه امکان داشت و نه برای مقاصد ما ضروری بود. از این‌رو ما با شمار کمتری که ١٣٢ نفر می‌شدند مصاحبه کردیم...»

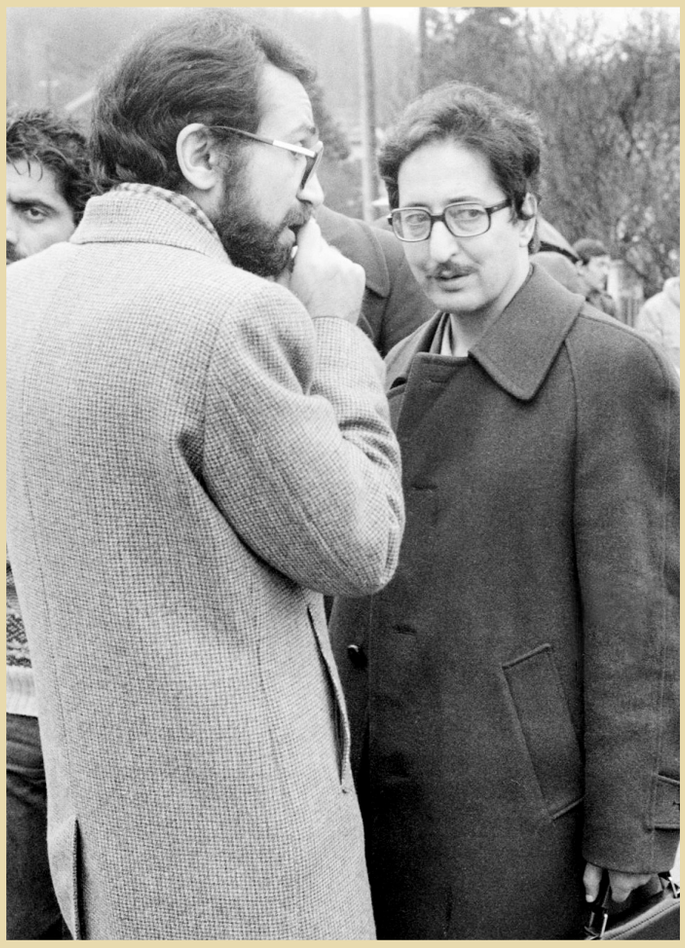
١٣٥٧. نوفل لوشاتو. ابوالحسن بنی صدر در گفت و گو با دانشجویان

اولین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران از اوج تا افول

روایت یک سقوط

محمدرضا کائینی

٢٨ سال پیش در چنین روزهایی، جامعه ایران شاهد سقوط رئیس‌جمهوری بود که چندی پیش از آن با آرایی بالا او را به این سمت انتخاب کرده بود. طبعاً برای نسل‌های آینده جای این پرسش خواهد بود که بنی‌صدر از چه روی چنین سرنوشتی یافت؟ مقالی که پیش روی دارید، در پی پاسخ به این پرسش است. امید آنکه مقبول افتد.

تلاش برای جلب اعتماد انقلابیون

ابوالحسن بنی‌صدر نخستین رئیس‌جمهور ایران از جمله چهره‌هایی بود که همراه امام(ره) به ایران بازگشت. وی از همان ابتدا رؤیای رهبری ایران را در سر داشت اما تفاوت دیدگاهش با اصل انقلاب از همان ابتدای فعالیت سیاسی‌اش آشکار بود. او با سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف و مناظره با بابک زهرایی رهبر گروه مائوئیستی توانست خود را در نزد مردم به عنوان فردی انقلابی و پایبند به آرمان‌های امام معرفی کند و به عضویت شورای انقلاب درآید. وی پس از عضویت در این شورا در مرداد ماه سال ٥٨ از سوی مردم تهران به عضویت مجلس خبرگان قانون اساسی درآمد اما با عضویت در مجلس خبرگان به مخالفت با تصویب دو اصل اختیارات ولی فقیه و شرایط عمومی و اختصاصی رئیس‌جمهور در قانون اساسی پرداخت. بنی‌صدر معتقد بود برای رئیس‌جمهور شدن نیازی به التزام به دین نیست و همان شرط مدیر و مدبر بودن کفایت می‌کند. علاوه بر این وی خواستار تصویب قوانینی بود که اختیارات بیشتری به رئیس‌جمهور داده شود! درواقع تلاش او برای هموار ساختن مسیرش در قدم بعدی ـ کرسی ریاست‌جمهوری ـ بود. البته روحیه انقلابی و خوش‌باوری باعث می‌شد در آن روزگار کسی به رفتار و گفتار وی شک نبرد. بنی‌صدر که به دنبال پستی در دولت موقت بود با مخالفت مهندس بازرگان روبه‌رو شد. مهندس بازرگان به عملکرد وی خوش‌بین نبود و به عنوان رئیس دولت موقت درباره عدم انتخاب بنی‌صدر به عنوان یکی از وزرایش در خاطراتش نوشته است: «در یکی از روزهای اول تشکیل دولت موقت امام راحل پرسیدند: وزارتی را برای آقای بنی‌صدر در نظر گرفته‌اید؟ در جواب گفتم که بنده می‌ترسم به کسی که سابقه اداره یک مکتبخانه را هم ندارد وزارتخانه بدهم. همچنین به امام عرض کردم، بنده از زمانی که جزو دانشجویان جبهه ملی در دانشکده حقوق بود آشنایی مختصری با او پیدا کردم و آنچه شاخص دیده‌ام این است که اهل همکاری نیست و هیچ‌کس را قبول ندارد.»

تسخیر سفارت و لو رفتن اسناد همکاری با سیا

دیدار برژینسکی با مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی در دهم آبان ماه سال ٥٨ باعث شد دانشجویان پیرو خط امام سیزدهم آبان‌ماه سفارت امریکا در تهران را به اشغال خود درآورند. مهندس بازرگان که این اقدام را با قوانین بین‌المللی مغایر می‌دانست دو روز پس از این واقعه همراه با دیگر اعضای دولت موقت همگی استعفای خود را اعلام کردند. به همین سبب حضرت‌امام(ره) طی حکمی اداره کشور را به شورای انقلاب سپردند. در این دوره براساس طرح ادغام دولت موقت و شورای انقلاب بنی‌صدر به عنوان معاون وزارت امور اقتصاد و دارایی انتخاب شد. البته در بخشی از اسنادی که دانشجویان پیرو خط امام از سفارت امریکا به دست آوردند مشخص شد که از مدت‌ها قبل ابوالحسن بنی‌صدر با سازمان سیا همکاری داشته است. به عنوان نمونه در بخشی از اسناد به دست آمده نوشته: «بنی‌صدر تمایل همکاری با ما را دارد و دارای ثمره مثبت است. وی منتظر خروج خمینی از صحنه سیاست است. بنی‌صدر، خمینی را خطاکار می‌داند، ولی اگر احساس کند رژیم به نفع او پیش نمی‌رود علیه رژیم توطئه خواهد کرد...»

ملاقاتی برای رأی بیشتر در انتخابات

ابوالحسن بنی‌صدر که همواره قصد داشت مرد شماره اول کشور باشد، تصمیم گرفت در نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری کشور شرکت کند. وی پیش از شرکت در انتخابات در مقام وزیر اقتصاد و دارایی برای فریب مردم و رأی‌آوری بیشتر طی مصاحبه‌ای به شرح تصمیمات اقتصادی کشور پرداخت و علاوه بر ملی اعلام کردن تجارت خارجی و واردات، اعلام کرد که بهره از نظام بانکی حذف می‌شود! بنی‌صدر علاوه بر این مصاحبه با درج مقالاتی در باب اقتصاد کشور و مشکلات معیشتی به‌خوبی توانست در میان مردم محبوبیت کسب کند. نهایتاً بنی‌صدر سه روز پس از آن مصاحبه به دیدار امام(ره) رفت و پس از بازگشت اینطور وانمود کرد که این دیدار دلیل شرکتش در انتخابات شده است. درحالی که اینطور نبود و خودش هم در خاطراتی که سال‌ها پس از فرارش منتشر ساخت اقرار کرد که: «با آقای خمینی صحبت کردم، ایشان گفتند نمی‌شود رئیس‌جمهور بشوی؛ یکی اینکه مخالف ولایت فقیه هستی. دوم اینکه مخالف مالکیت خصوصی هستی و هم اینکه مخالف این هستی که روحانیت در دولت باشد.»

تلاش برای معرفی رئیس‌جمهور

بنی‌صدر که از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا خود را در نگاه مردم مورد تأیید امام جلوه دهد نهایتاً توانست در بهمن‌ماه ١٣٥٨ با ١١ میلیون رأی به عنوان نخستین رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران انتخاب شود اما به محض آن که بر کرسی ریاست جمهوری نشست به اتکای رأیی که آورده بود، سعی کرد با ایجاد جنگ روانی علیه نیروهای انقلاب و ایجاد اختلاف و دودستگی بین مسئولان، خط اصیل انقلاب را تضعیف کند. روزنامه انقلاب اسلامی که پس از پیروزی انقلاب تأسیس و توسط دوستانش منتشر می‌شد نیز تریبون خوبی برای دامن زدن به این اختلافات بود. البته این روزنامه خردادماه سال ١٣٦٠ به دستور دادستان انقلاب اسلامی مرکز به دلیل «نشر مقالات تشنج‌زا و مخل به مبانی اسلام و حقوق عمومی جامعه نوپا و انقلابی مردم مسلمان ایران به ویژه در زمان جنگ» توقیف شد.

حزب جمهوری که کم و بیش با حقیقت رئیس‌جمهور آشنا بود، تلاش بسیاری کرد که این حقیقت را بر همگان عیان سازد. این مسئله در حالی بود که بنی‌صدر تلاش می‌کرد نمایندگان دوره اول مجلس از جریانات و احزاب موافق وی باشند. اما ائتلاف نیروهای خط امامی همچون حزب جمهوری، جامعه روحانیت، هیئت‌های مؤتلفه و سازمان مجاهدین انقلاب و... برنامه‌های او را با شکست مواجه ساخت. اختلاف بنی‌صدر با نمایندگان مجلس از آنجا آغاز شد که آنان با گزینه اول وی برای نخست‌وزیری مخالفت کردند. احمد سلامتیان نخستین کاندیدای بنی‌صدر برای این سمت بود. پس از آن بنی‌صدر برای تحت تأثیر قرار دادن مجلس و مردم در نامه‌ای به امام درخواست نخست‌وزیری سیداحمد خمینی را کرد. البته این درخواست با مخالفت امام روبه‌رو شد و ایشان در این رابطه فرمودند: «بنا ندارم اشخاص منسوب به من متصدی این امور شوند.»

همگرایی با امریکا و پیشبرد عملیات پنجه عقاب

دولت امریکا برای آزادی گروگان‌هایش که در ماجرای تسخیر سفارت امریکا بازداشت شده بودند، به اقدامات بنی‌صدر و اعمال فشار سیاسی و اقتصادی دل‌بست ولی از این ترفند به نتیجه مطلوب نرسید. لذا کارتر، رئیس‌جمهور امریکا دستور انجام عملیاتی به نام پنجه‌عقاب را برای آزادسازی نیروهایش صادر کرد. از جمله اقداماتی که در داخل ایران برای تحقق این عملیات صورت گرفت این بود که برخی فرماندهان ارتش که تحت فرمان بنی‌صدر بودند در پوشش راداری کشور اختلالاتی پیش آورند. علاوه بر این طبق اسناد به دست آمده و بر اساس امریه شماره ٢٥٦-١٦-٤١٢ مورخ ٥٩/٢/٣ از حوزه معاونت عملیاتی و پدافند هوایی، توپ‌های ٢٣ میلیمتری ضدهوایی مستقر در تهران، شیراز، مشهد و بابلسر با کلیه تجهیزات برای رفع خطر کامل از عملیات امریکا به عنوان مأموریت از منطقه دور و توپ‌های ضدهوایی فرودگاه مهرآباد و پادگان منظریه قم نیز به طور کامل برداشته شدند. طبق این عملیات قرار بود نظامیان امریکایی به وسیله بالگردهایشان در منطقه دورافتاده‌ای نزدیک صحرای طبس فرود آیند و از آنجا عملیات را آغاز کنند اما طوفان شن سبب به هم خوردن و آتش گرفتن یک دو بالگرد شده و کل عملیات ناکام ماند. نکته جالب توجه این بود که در چنین شرایطی بنی‌صدر پیش از رسیدن نیروهای نظامی کشور به منطقه و بررسی اسناد، دستور بمباران بالگردهای سالم به جا مانده در طبس را داد و بعد در توضیح علت این اقدام گفت: «به چند دلیل این کار می‌بایست صورت می‌گرفت. اولاً رادارهای ما را مستشاران امریکایی که در زمان رژیم شاه در ایران بودند، کار گذاشته‌اند. بنابراین تکنیک آن کاملاً برای آنها روشن است، درنتیجه می‌دانند چگونه از مرزها بگذرند که رادارها نتوانند آنها را شناسایی کنند. ثانیاً هواپیماهای ما نیز از نوع امریکایی هستند و امریکا به هر حال به تکنیک و اسرار آنها آشنایی دارد و از آنجا که احتمال زیادی برای اقدام به عملیاتی برای از بین بردن هلی کوپترها از جانب امریکا با پوشش هوایی خود می‌رفت، دستور این عملیات داده شد. این عمل برای این بود که هلی کوپترها از کار بیفتند و نتوانند از کشور خارج شوند!»

١٤ اسفند آغاز ماجرای دوقطبی‌سازی

١٤ اسفندماه سال ٥٩ بنی‌صدر در راستای جداسازی مسیرش از انقلاب و همکاری با نیروهای معاند انقلاب همچون مجاهدین خلق تصمیم گرفت مصادف با سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق در دانشگاه تهران میتینگی ترتیب دهد تا از نقش تاریخی مصدق سخن بگوید. در برپایی این اجتماع گروه‌های بسیاری نظیر حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، کانون توحیدی اصناف، جامعه بازرگانان و اصناف، جمعیت زنان تهران و... با صدور اعلامیه موافقت خود را اعلام کردند. اما در مخالفت با این اقدام عده‌ای از مردم و طرفداران حزب جمهوری با در دست داشتن عکس مصدق که در حال بوسیدن دست ثریا بود به محل میتینگ رفته و به شعار دادن علیه مصدق پرداختند. آن روز بنی‌صدر سخنرانی را اینطور آغاز کرد: «در این جهان که ما هستیم دو نوع دید از رهبری وجود دارد، یک رهبری بر این باور است که خود می‌باید به جای یک ملت تصمیم بگیرد و خود می‌باید سرنوشت مردم را هرطور که خواست تعیین بکند. این رهبری، رهبری‌های دیکتاتورمآبانه، در گذشته و حال تاریخ بشر هستند و مصدق از اینگونه نبود زیرا از نظر او رهبری خدمتگزاری مردم و اجرای خواست و اراده مردم است.» سازمان مجاهدین که نقش اصلی را در شکل‌گیری درگیری‌های آن روز داشت با دادن شعارهایی به تحریک جریانات و مردم پرداخت. پس از آن بنی‌صدر به جای آنکه برای آرامش فضا تلاشی کند از مردم خواست که حزب‌اللهی‌ها را از دانشگاه بیرون کنند و این آغاز ماجرای دوقطبی‌سازی در جامعه بود. شدت وقایع آن روز به حدی بود که آیت‌الله گلپایگانی طی تلگرافی به امام فرمودند: «اختلافات و برخوردها و درگیری‌های اخیر موجب نگرانی شدید است. با توجه به وضع بسیار حساس کشور و جنگ تحمیلی و توطئه‌های بیگانگان اقدام سریع حضرتعالی در اطفای این نایره قبل از بروز فتنه‌های خطرناک و حوادث غیرقابل پیش‌بینی به نظر حقیر لازم است.» امام نیز در جواب تلگرافی فرستادند و فرمودند: «.. به جنابعالی و عموم ملت شریف اطمینان می‌دهم که با خواست خداوند تعالی با اینگونه مخالفت‌های با اسلام برخورد شدید خواهد شد و به دستگاه قضایی گفته‌ام که قضیه را تعقیب و مجرمین و محرکین را شناسایی و محاکمه کنند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند... باید گروه‌ها و دسته‌های منحرف سیاسی و غیرسیاسی بدانند که من با احساس تکلیف با آنان برخورد اسلامی می‌کنم و به شرارت‌های ضد اسلامی خاتمه می‌دهم.»

تئوری واگذاری زمین و گرفتن زمان در جنگ!

از جمله مواردی که در تاریخ انقلاب اسلامی رنگ و بوی خیانت بنی‌صدر را به‌خوبی عیان می‌سازد عملکرد وی در دوران دفاع مقدس به عنوان فرمانده کل قوا و ریاست شورای عالی دفاع است که با مطرح کردن نظریه «واگذاری زمین و گرفتن زمان» و بیان مسائل اختلافی با نهادهای انقلابی از جمله سپاه از ارسال تجهیزات برای دفاع از شهرها خودداری کرد، باعث اشغال خرمشهر و برخی از شهرهای مرزی جنوب و غرب کشور شد. شهید کاظمی در این خصوص گفته است: «از لحاظ مهمات جنگی، در زمانی که بنی‌صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت مشکلات ما بسیار زیاد بود. من خودم نامه آقای بنی‌صدر را دیدم که نوشته بود به سپاه مهمات ندهید.» ضعف و عدم مدیریت بنی‌صدر در رویارویی با مسائل جنگ و بالا گرفتن اعتراضات در جبهه‌های جنگ سبب شد که امام در ٢٠ خرداد ١٣٦٠ او را طی پیامی از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار کند.

آغاز زندگی مخفی

٢١ خرداد ماه در پی صدور حکم برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از مقام فرماندهی کل قوا و مخفی شدن وی، سازمان مجاهدین خلق در اطلاعیه‌ای رسماً مسئولیت دفاع و حفاظت از جان بنی‌صدر را بر عهده گرفت و در ٢٣ خرداد ماه به حمایت از بنی‌صدر و مخالفت با حزب جمهوری اسلامی، تظاهرات بزرگی در ورزشگاه امجدیه برگزار کرد. البته این مراسم به زد و خوردهای شدیدی کشید لذا با توجه به اقدامات تفرقه‌انگیز رئیس‌جمهور و همکاری‌اش با سازمان‌های معاند نظام ٢٦ خرداد طرح دو فوریتی «بررسی کفایت رئیس‌جمهور» در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. سازمان مجاهدین خلق نیز در همان روز با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان «مردم تهران آماده نجات جان دکتر بنی‌صدر باشید» هواداران خود را به حمایت جدی از بنی‌صدر به بهانه «نجات جان» وی دعوت کرد.

همبستگی انقلابیون در برابر جریان انحرافی

فردای آن روز آیت‌الله دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور طی مصاحبه مطبوعاتی ضمن توضیح ابعاد حقوقی و قضایی رسیدگی به کفایت سیاسی رئیس‌جمهور و نحوه اجرای قانون، از افراد و گروه‌هایی که به عنوان حمایت از رئیس‌جمهور در دام آشوبگری افتاده بودند دعوت کرد به آغوش نظام اسلامی بازگردند. ایشان در این مصاحبه می‌فرمایند: «.. جوان‌ها با چشمان باز و با دقت هرچه تمام‌تر درباره گفته‌ها و عملکردهای افراد و گروه‌ها مطالعه کنند و همانطور که حق‌پرستی و عدالت‌دوستی و اسلام‌دوستی و خدادوستی آنها ایجاب می‌کند، راه صحیح را بشناسند و انتخاب کنند. امید ما این است که... آنها هم فرصت را مغتنم بشمارند، مبادا از روی ناآگاهی و بی توجهی به بیراهه بروند... آرزوی ما این است که همه مردان و زنان متدین دلسوخته و همه جوانان، دختران و پسران علاقه‌مند و پاک و دلسوخته، موقعیت زمان را خوب درک کرده و توجه داشته باشند که این انقلاب اسلامی با شرکت همه آنها هرچه سریع‌تر بتواند مراحل پیشرفت را یکی پس از دیگری طی کرده و به صورت یک نهاد استوار در تغییر وضع کلی جهان و تاریخ عصر ما، مؤثر واقع بشود.»

در چنین شرایطی امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان در ٢٨ خردادماه در پیام مهمی خاطرنشان کردند «.. امروز و روزهای آینده، روز شکست جریان دشمنان قسم‌خورده اسلام است. روز شکست فرد یا افراد نیست. روز شکست جریانی است که به اسلام معتقد نیستند و اگر هم باشند، مسلماً تا حدودی است که با قوانین غرب برخورد و مخالفتی نداشته باشد... روز شکست جریانی است انحرافی که حضور به‌موقع شما، پایه‌های آن را لرزاند و فروریخت... من خوب درک می‌کنم که حضور شما در این روزهای حساس به چه معنایی است، و به امید پیروزی نهایی شما بر دشمنانتان روزشماری می‌کنم... افسران، درجه‌داران و سربازان رشید اسلام، شما خوب می‌دانید که منافقین، که امروز به عنوان طرفداران پروپاقرص «بعضی‌ها» اطراف آنها را گرفته‌اند، و به بهانه طرفداری از آنان دست به انفجار و درگیری مسلحانه می‌زنند، و هر روز در گوشه‌ای تشنج می‌آفرینند، همان‌ها بودند که از روز اول شعار «انحلال ارتش» را سر می‌دادند. من با قدرت ملت دلاور، مقابل ضدانقلاب که تصمیم گرفته است بعضی از افراد را بهانه قرار داده و علیه شما هر روز دست به اغتشاش بزند، خواهم ایستاد. .. شما مردم عزیز، هوشیار باشید و آرامش خودتان را حفظ کنید... و با حضور دائمی خود، کید هرج و مرج طلبان را خنثی کنید...»

صف‌آرایی مردم در برابر حامیان بنی‌صدر

در راستای وحدت نیروهای انقلاب برای عزل بنی‌صدر آیت‌الله خامنه‌ای نیز در مراسم نماز جمعه تهران که ٢٩ خردادماه برگزار شد به بیان دلایل سقوط بنی‌صدر پرداختند. این سخنان باعث شد بسیاری از مردم در تجمع‌ها و تظاهرات مختلف سراسر کشور از اقدام مجلس حمایت کنند و خواستار عزل و محاکمه بنی‌صدر شوند. لذا سازمان مجاهدین خلق در بیانیه‌ای رسماً حرکت مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد و سی‌ام همان ماه اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق، فدائیان خلق، پیکار و حزب رنجبران در خیابان‌های تهران و چند شهرستان در حمایت از بنی‌صدر دست به تخریب، قتل، غارت، آشوب و آتش‌سوزی زدند که این اقدامشان منجر به درگیری‌های پراکنده و خشونت‌باری در برخی شهرها بین طرفداران بنی‌صدر و سازمان مجاهدین خلق با مردم شد. خبرگزاری رویترز در گزارش این حوادث نوشت: «حدود ٣ هزار نفر از افرادی که به سازمان چریکی مجاهدین خلق تعلق دارند خیابان‌ها را بستند و تعدادی اتومبیل و موتورسیکلت را آتش زدند و علیه حکومت اسلامی به شعار دادن پرداختند.» به گزارش روزنامه کیهان در آشوب‌های ٣٠ خرداد مجاهدین خلق و گروه‌های همراه در تهران و شهرستان‌ها، ١٦ نفر کشته و ده‌ها نفر مجروح شده بودند. البته صدای امریکا تعداد کشته‌های آن روز را ٣٠ نفر و مجروحان را ٢٠٠ نفر اعلام کرد.

پایان کار رئیس‌جمهور متوهم

درنهایت ٣١ خردادماه آن سال لایحه عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری، با ١٧٧ رأی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی وقت نیز، ٣١ خردادماه طی نامه‌ای گزارشی از آرای نمایندگان مجلس راجع به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را به اطلاع حضرت امام رساند. اول تیرماه ١٣٦٠ در پی تصویب طرح عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی، فرمان عزل ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور اسلامی ایران توسط امام خمینی، متعاقب نامه‌ای صادر شد.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.

-اول تیرماه ٦٠-

روح‌الله الموسوی الخمینی

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز طرح قانونی آیین‌نامه بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور را که به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسیده بود برای بنی‌صدر ارسال کرد. اما دادستان انقلاب اسلامی مرکز اعلام کرد بنی‌صدر مخفی شده و از محل سکونت وی هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. بعداً معلوم شد که او ابتدا در منزل دکتر ناصر تکمیل همایون، عضو حزب ملت ایران و از دوستان قدیمی بنی‌صدر در ایران و فرانسه، مخفی شد و پس از چند نقل و انتقال و تغییر مکان، سرانجام از طریق حسین نواب صفوی، صاحب امتیاز روزنامه انقلاب اسلامی - که رابط سازمان با دستگاه بنی‌صدر بود- به مخفیگاهی رفت که سازمان تدارک دیده بود.

> **ابوالحسن بنی‌صدر به محض آن که بر کرسی ریاست جمهوری نشست به اتکاء رأیی که آورده بود، سعی کرد با ایجاد جنگ روانی علیه نیروهای انقلاب و ایجاد اختلاف و دودستگی بین مسئولان، خط اصیل انقلاب را تضعیف کند**

> **٢١ خرداد ماه در پی صدور حکم برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از مقام فرماندهی کل قوا و مخفی شدن وی، سازمان مجاهدین خلق در اطلاعیه‌ای رسماً مسئولیت دفاع و حفاظت از جان بنی‌صدر را بر عهده گرفت و در ٢٣ خرداد ماه به حمایت از بنی‌صدر و مخالفت با حزب جمهوری اسلامی، تظاهرات بزرگی در ورزشگاه امجدیه برگزار کرد که این مراسم به زد و خوردهای شدیدی کشید**

١٣٦٠. ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی پس از فرار به پاریس